

بسم الله الرحمن الرحيم

«تقوا» نهایت رضایت خداوند است

خودم و شما نمازگزاران عزیز، برادران بزرگوار و خواهران گرامی را به رعایت تقوای الهی سفارش می‌کنم. تقوا یعنی خویشتنداری در برابر گناه و ایجاد ملکه‌ای در وجود انسان که هرگاه زمینه گناه فراهم شد، از آن خودداری کند، هرچا امر الهی است، حضور داشته باشیم و هرچا نهی الهی است، از آن دوری کنیم!

از معصیت، گناه و سرکشی در برابر خداوند متعال بپرهیزیم و عادت کنیم هرچا خداوند فرمانی داده، به سوی آن حرکت کنیم و در انجام اوامر الهی شتاب داشته باشیم. تلاش ما بر این باشد که دستورات خداوند را به‌جا آوریم و از نافرمانی او دوری کنیم. این امر جز با تمرین و ممارست در رعایت تقوا حاصل نمی‌شود، با تلاش و کوشش، ملکه تقوا به‌تدریج در وجود انسان شکل می‌گیرد و ان‌شاءالله در پیشگاه خداوند متعال به جایگاه ویژه‌ای دست خواهد یافت.

روز هفتم ماه صفر بنا بر روایتی مصادف با شهادت امام حسن مجتبی(ع) است. در خطبه نخست، روایتی از آن حضرت درباره تقوا عرض می‌کنم تا ان‌شاءالله از فیوضات کلام نورانی ایشان بهره‌مند شویم.

هرچه بیشتر تقوا را رعایت کنیم، نزد خدا محبوب‌تر خواهیم شد

امام حسن مجتبی(ع) فرمودند «وَأَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى وَجَعَلَ التَّقْوَى مُنْتَهَى رِضَاهُ» یعنی خداوند شما را به تقوا توصیه و سفارش کرده و تقوا را نهایت رضایت و خشنودی خود قرار داده است.

وقتی به قرآن کریم مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که خداوند در آیات متعددی بندگان را به رعایت تقوا فرمان داده است. از جمله در آیه ۱۱۹ سوره توبه می‌فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوا داشته باشید! در آیه ۷۰ سوره احزاب نیز همین دستور را بیان می‌کند.

همچنین در آیه ۱۰۲ سوره آل عمران می‌فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آن‌گونه که شایسته تقوای الهی است، تقوا پیشه کنید؛ یعنی تمام کوشش خود را برای حفظ خویش از نافرمانی خدا به‌کار بگیرید. افزون بر این، در آیات فراوان دیگری نیز خداوند متعال، امر به تقوا و در بعضی موارد نیز ثمرات تقوا و فضائل متّقین را بیان کرده و همچنین از زبان پیامبران الهی و ائمه معصومین(ع) نیز انسان‌ها به رعایت تقوا سفارش شده‌اند.

در سخن امام حسن مجتبی(ع) که فرمودند «وَجَعَلَ التَّقْوَى مُنْتَهَى رِضَاهُ» نکته بسیار مهمی وجود دارد؛ اینکه خداوند، تقوا را نهایت رضایت خود قرار داده است. یعنی هرچه انسان تقوای بیشتری داشته باشد، از رضایتمندی بیشتری نزد خداوند برخوردار خواهد شد. همه تلاش ما در دنیا باید برای کسب رضایت الهی باشد، زیرا هرکس رضایت خداوند را به دست آورد، آخرت او آباد خواهد بود و بهشت جاودان در انتظار اوست.

اما در اینجا یک سؤال مطرح می‌شود؛ اینکه چگونه نهایت رضایتمندی خداوند با تقوا حاصل می‌شود؟ آنچه به ذهن می‌رسد این است که در قرآن کریم آیه‌ای نداریم که به‌صراحت بفرماید هرکس تقوا داشته باشد، خدا از او راضی می‌شود؛ اما امام حسن مجتبی(ع) می‌فرماید نه تنها خدا از انسان راضی می‌شود، بلکه اوج رضایتمندی الهی نیز به میزان تقوای انسان بستگی دارد! هرچه تقوای انسان بیشتر باشد، به نهایت خشنودی خداوند نزدیک‌تر خواهد شد.

این معنا از آیات قرآن نیز برداشت می‌شود که خداوند متعال در آیات متعددی فرموده است اهل تقوا را دوست دارد. از جمله در آیه ۷۶ سوره آل عمران که می‌فرماید «بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ ۖ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» کسی که پیمان الهی را رعایت کند و به آن وفا کند خداوند او را که اهل تقواست، دوست می‌دارد؛ همین تعبیر در آیات چهارم و هفتم سوره توبه نیز آمده است که خداوند متقین را دوست می‌دارد.

ما در دنیا به دنبال چه هستیم؟ اگر تمام عبادت‌ها، بندگی‌ها، طاعت‌ها و تلاش‌های انسان به این نتیجه برسد که خداوند او را دوست بدارد و محبوب پروردگار شود، هم از برکات دنیا بهره‌مند خواهد شد و هم سعادت آخرت را به دست خواهد آورد. بنابراین، آنچه تا اینجا در قرآن به‌روشنی آمده این است که خداوند اهل تقوا را دوست می‌دارد.

امام حسن مجتبی(ع) می‌فرماید تقوا نهایت رضایت خداوند است. آیا ممکن است خدا کسی را دوست داشته باشد اما از او راضی نباشد؟ طبیعتاً محبت الهی بدون رضایت معنا ندارد. خداوند وقتی در قرآن می‌فرماید اهل تقوا را دوست دارد، این محبت، نتیجه رضایتمندی اوست؛ یعنی نخست خداوند از بنده خشنود می‌شود و سپس او محبوب خدا می‌گردد.

بنابراین، معنای این سخن که تقوا نهایت رضایت الهی است، این خواهد بود که انسان وقتی در مسیر تقوا قرار گرفت، خداوند او را دوست خواهد داشت و تا خدا از بنده‌ای راضی نباشد، او را دوست نخواهد داشت! میزان این رضایت نیز به اندازه رعایت تقوای ما بستگی دارد و هرچه رضایت الهی بیشتر باشد، انسان به محبوبیت بیشتری نزد پروردگار خواهد رسید.

احتکار، گران‌فروشی و کم‌فروشی از مصادیق بی‌تقوایی محسوب می‌شوند!

در هفته‌های گذشته نیز تلاش کردیم برخی از مصادیق بی‌تقوایی را بیان کنیم تا از آنها دوری کنیم. یکی از مهم‌ترین مصادیق رعایت تقوا که امروز با توجه به شرایط اقتصادی و مشکلات معیشتی جامعه بسیار مورد نیاز است، تقوا در خرید و فروش، تجارت و معاملات است.

همه ما، کوچک و بزرگ، به نوعی با معاملات سر و کار داریم. گاهی کسی خانه می‌سازد، خودرو می‌خرد، وسیله‌ای را برای تعمیر می‌برد یا نیازهای روزمره زندگی خود را تهیه می‌کند. بنابراین، تقوا در معاملات یکی از روشن‌ترین مصادیق تقواست. نمی‌توان انسان خود را متقی بداند اما در معاملات بی‌تقوایی کند و هرگونه که خواست عمل نماید!

نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) در روایتی اهمیت تقوا در معاملات را چنین بیان فرموده‌اند که «مَنْ عَشَّ مُسْلِمًا فِي شِرَاءٍ أَوْ بَيْعٍ فَلَيْسَ مِنَّا» اگر فروشنده یا خریدار در معامله تقوا را رعایت نکنند، تقلب کنند و غش در معامله داشته باشند «فَلَيْسَ مِنَّا» از ما نیستند و نباید ادعای پیروی از مکتب اهل بیت(ع) و اسلام را داشته باشند!

تقوا در معاملات یعنی انسان در گران‌فروشی انصاف را رعایت کند. امام جعفر صادق(ع) نیز فرمود «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْإِنْصَافَ فِي الْبَيْعِ وَالشِّرَاءِ» خداوند متعال انصاف در خرید و فروش را دوست دارد. انصاف یعنی انسان همه منافع را برای خود نخواهد و حق طرف مقابل را نیز رعایت کند! مثلاً اگر امروز کالایی در بازار کمیاب شد، قیمت آن را به‌گونه‌ای افزایش ندهد که مردم به زحمت بیافتند؛ چنین فردی اگر انصاف را رعایت کند، خداوند او را دوست خواهد داشت.

گران‌فروشی، احتکار، قالب کردن جنس نامرغوب به جای جنس مرغوب، مانند اینکه «برنج درجه سه» را به جای «برنج درجه یک» بفروشد و پول جنس مرغوب را دریافت کند، همه از مصادیق بی‌تقوایی است! انسان نمی‌تواند نمازخوان باشد اما در معاملات سر مردم کلاه بگذارد! «إِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ» خداوند، شاهد و گواه همه اعمال ماست و در روز قیامت نیز خود او میان‌بندگان داوری خواهد کرد.

همچنین گرفتن اجرت بیش از مقدار متعارف نیز از مصادیق بی‌تقوایی است! گاهی مردم وسیله‌ای را برای تعمیر می‌برند و نمی‌دانند چه قطعه‌ای در آن تعویض شده یا چه کیفیتی داشته است. به تعمیرکار اعتماد می‌کنند، اما خدا نکند کسی از این اعتماد سوءاستفاده کند؛ قطعه‌ای ارزان نصب کند و هزینه قطعه گران را بگیرد، یا دستمزدی بیش از آنچه استحقاق دارد مطالبه کند! اینها نیز از مواردی است که همه ما در زندگی روزمره، چه به عنوان خریدار و چه به عنوان فروشنده، با آن مواجه هستیم!

«کم‌فروشی» نیز از دیگر مصادیق بی‌تقوایی است. امروزه بسیاری از کالاها به صورت بسته‌بندی عرضه می‌شوند؛ مانند ماست، پنیر، شیر و امثال آن. گاهی قیمت کالا افزایش پیدا می‌کند و گاهی به جای افزایش قیمت، حجم و مقدار کالا را کاهش می‌دهند! این نیز نوعی کم‌فروشی است و از مصادیق بی‌تقوایی به شمار می‌رود. عبارت قرآنی «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ» شامل این موارد خواهد شد.

انسان متقی در خرید و فروش و انجام معاملات، تقوا را رعایت می‌کند

در پایان، به این روایت از امام جعفر صادق(ع) توجه کنیم که فرمود اگر دو نفر که با یکدیگر معامله می‌کنند راستگو باشند، «بُورِكَ لَهُمَا» خداوند در مال، جان و معامله آنان برکت قرار می‌دهد؛ اما اگر دروغ بگویند، عیب کالا را پنهان کنند یا ویژگی‌هایی را که در آن وجود ندارد بیان کنند «لَمْ يُبَارَكْ لَهُمَا»؛ خداوند برکت را از آن کسی که صدق در معامله ندارد و در معامله غش می‌کند، برمی‌دارد!

از خداوند متعال مسئلت داریم همه فروشندگان، کسبه و بازاریان که «حبیب‌الله» هستند و نیز همه خریداران را موفق بدارد تا تقوا را در معاملات رعایت کنند و مشمول این فرمایش امام حسن مجتبی(ع) شوند که خداوند تقوا را نهایت خشنودی خود قرار داده است. ان‌شاءالله همه ما از اهل تقوا باشیم]. پایان خطبه اول]

برادران و خواهران مؤمن! بار دیگر خودم و شما را در این خطبه دوم به رعایت تقوای الهی، به‌ویژه تقوا در معاملات، سفارش می‌کنم. انسان باید در هر نوع معامله‌ای فرمان‌بردار خداوند باشد، نسبت به مؤمنان انصاف را رعایت کند و اجازه ندهد در این

وانفسای کمبودها و افزایش قیمت‌ها، با آزار مردم موجب ایجاد ناامیدی در جامعه شود. رعایت تقوا در این عرصه وظیفه همه ماست.

همانگونه که عرض شد هفتم ماه صفر، بنا بر روایتی، سالروز شهادت امام حسن مجتبی(ع) است. این مصیبت را به همه مؤمنان و شیعیان آن حضرت تسلیت عرض می‌کنم.

اگرچه شهادت امام حسن مجتبی(ع) بنابر روایت مشهور، بیست و هشتم ماه صفر شناخته می‌شود اما برخی از علما شهادت آن حضرت را در هفتم صفر پذیرفته‌اند و مجالس عزاداری برپا می‌کنند.

امام حسن مجتبی(ع) با دوراندیشی خود، چهره واقعی معاویه را آشکار کرد، هرچند عده‌ای ایشان را «مُذِلُّ الْمُؤْمِنِينَ» خطاب می‌کردند!

لازم است به نکته‌ای درباره اهمیت صلح امام حسن مجتبی(ع) اشاره کنم. کار بزرگی که امام حسن مجتبی(ع) در زمان خود انجام داده‌اند نباید از کار امام حسین(ع) کم‌اهمیت تر و پایین‌تر دیده شود! در زمان خود امام حسن مجتبی(ع) به‌ویژه در دوران حکومت معاویه ملعون، دیدگاه منفی و غلطی در میان بخشی از مسلمانان شکل گرفته بود که این دیدگاه نباید در جامعه ما نیز شکل بگیرد!

معاویه سال‌ها با تبلیغات گسترده، مردم شام را در جهل و مردم عراق و کوفه را در غفلت نگه داشت، به‌گونه‌ای که مردم شام دین خود را همان چیزی می‌دانستند که معاویه برای آنان تفسیر می‌کرد!

دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌ای آن روز، که منحصر در اختیار معاویه بود، چنان افکار عمومی را منحرف کرده بود که اگر امام حسن مجتبی(ع) در شش ماه ابتدای امامت خود جنگ را ادامه می‌دادند، بدون تردید خون مبارکشان به هدر می‌رفت و هدف اصلی، یعنی «اعتلای کلمه الله» استواری دین خدا و استمرار مسیر امامت، محقق نمی‌شد!

اگر آن حضرت در آن شرایط به شهادت می‌رسیدند، راه امامت با خطر جدی مواجه می‌شد. از همین رو امام حسن(ع) با درایت و آینده‌نگری، هرچند با عنوان «يَا مُذِلُّ الْمُؤْمِنِينَ» مورد سرزنش برخی از مسلمانان قرار گرفت، تصمیمی اتخاذ فرمود که تنها راه آشکار کردن چهره واقعی معاویه و افکار انحرافی او برای مسلمانان بود!

اگر امام حسن مجتبی(ع) جنگ را ادامه می‌داد (همانگونه که در فیلم «تنهاترین سردار» مشاهده کردید یا براساس مطالعه منابع می‌دانید) تقریباً تنها می‌ماند! زیرا معاویه بسیاری از یاران آن حضرت را با تطمیع از اطراف ایشان جدا کرده بود، تا جایی که برخی آمادگی داشتند امام حسن مجتبی(ع) را دست‌بسته به معاویه ملعون تحویل دهند!

در چنین شرایطی، ادامه جنگ جز ریخته شدن خون امام و یاران اندک ایشان نتیجه‌ای نداشت! معاویه همه ارزش‌های اسلامی را زیر پا گذاشته بود، با حقیقت توحید مخالفت می‌کرد و منشأ فساد گسترده‌ای در جامعه بود.

اگر تدبیر و دوراندیشی امام حسن مجتبی(ع) نبود، حقیقتِ شخصیت و اندیشه‌های معاویه برای مردم آشکار نمی‌شد. معاویه عدالت را در جامعه نمی‌خواست، وحدت میان طبقات مردم را بر نمی‌تافت و همه چیز را برای خود می‌خواست! اگر بخواهیم رفتار او را در یک جمله خلاصه کنیم، محور آن خودپرستی، خودبینی و خودگرایی بود!

لذا لازم بود کسی حقیقت پنهان معاویه را که در ظاهر «خلیفه المسلمین» بود و مردم به او «خال المومنین» می‌گفتند برای مردم آشکار کند! امام حسن مجتبی(ع) با این فداکاری، جامعه اسلامی را از سقوط و انحطاط نجات داد و زمینه را فراهم کرد تا غفلت مردم عراق و کمی از جهل مردم شام، به تدریج کنار برود!

همین زمینه‌سازی بود که بعدها نهضت امام حسین(ع) را با اندک یاران خود ممکن ساخت؛ نهضتی که در آن، خون اثرگذار بود و توانست دین خدا را حفظ کند و وظیفه سیدالشهداء(ع) آن شد که خون خود را در راه خدا بدهد.

امروز دوران صلح و سازش نیست چراکه ملت‌های آزاده به ذات پلید آمریکا و رژیم صهیونیستی پی برده‌اند!

امروز متأسفانه در گوشه و کنار در برخی پیام‌ها و بیانی‌ها شنیده می‌شود که برخی می‌گویند همان‌گونه که امام حسن مجتبی(ع) صلح کردند، ما نیز باید سازش کنیم و صلح را بپذیریم. حتی این سخن را با واژه‌هایی مانند کرامت و امنیت نیز مطرح می‌کنند!

سؤال این است که چگونه می‌توان کرامت و امنیت را با خواسته‌های دشمن غدار ما و استکبار جهانی جمع کرد؟ شاید در شعار ممکن باشد، اما در میدان عمل، شرایط امروز [با دوران امام حسن مجتبی(ع)] کاملاً متفاوت است!

امروز یزیدها و معاویه‌های زمان، یعنی استکبار جهانی، آمریکای جنایتکار و اسرائیل سفاک و روش‌های آنان برای همه مردم دنیا آشکار شده است! دیگر شرایط به گونه‌ای نیست که نیاز باشد مانند زمان امام حسن(ع)، صلح صورت گیرد تا مردم تازه چهره پلید آمریکا را بشناسند!

امروز حقیقت آمریکا و رژیم جعلی صهیونیستی برای افکار عمومی جهان آشکار شده است. در کشورهای غربی، اروپا، خود آمریکا و بسیاری از نقاط جهان، مردم علیه رژیم صهیونیستی راهپیمایی می‌کنند و به ماهیت این رژیم پی برده‌اند!

امروز با وجود همه سانسورها و امپراتوری رسانه‌ای دشمنان، به واسطه خون پاک بیش از ۷۰ هزار انسان بی‌گناه در غزه، حقیقت برای مردم دنیا روشن شده است! امروز دیگر زمان امام حسن مجتبی(ع) نیست؛ چراکه ملت‌ها بویژه مردم ایران با بصیرت و آگاهی، دشمن را به خوبی شناخته‌اند!

مردم ایران آماده فداکاری در راه ارزش‌های اسلامی هستند

ملت ایران با این بصیرت و آگاهی، در کنار رهبر خود ایستاده است و آماده‌اند تا در این راه به مصداق عبارت «از تو به یک اشارت، از ما به سر دویدن» فداکاری کنند. امروز برخلاف دوران امام حسن(ع) که اطراف حضرت خلوت شد و بسیاری از بهترین یاران

ایشان، که حتی برخی از آنان از اقوام ایشان نیز بودند او را تنها گذاشتند، الحمدلله مردم با شناخت کامل، در کنار ولایت ایستاده‌اند.

خداوند را شاکریم که امروز دشمنان اسلام و انقلاب چنان برای ملت‌ها شناخته شده‌اند که همه می‌دانند استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل هیچ بهره‌ای از انسانیت، اخلاق نبرده‌اند! مانند ماجرای «جزیره اپستین» که البته هنوز هم تمام پرده‌های جنایت آنان کنار نرفته است! امروز حتی مردم کشورهای غربی نیز این حرف را مطرح می‌کنند که ترامپ این جنگ را شروع کرد تا آن رسوایی و آبروریزی را ببوشاند!

امروز تنها مردم بصیر ایران و جبهه مقاومت نیستند که ذات دشمن را شناخته‌اند، بلکه آزادگان جهان و ملت‌های مختلف نیز دشمن را به خوبی می‌شناسند و در کنار آن، فرماندهان جبهه مقاومت همگی در جبهه حق ایستاده‌اند.

امروز، دوران امام حسن مجتبی (ع) نیست؛ امروز دوران صلح و سازش نیست. از همین رو فرمایش رهبر معظم انقلاب، امام سید مجتبی حسینی خامنه‌ای درباره مذاکره و تفاهم کاملاً روشن و بر اساس شناخت دقیق دشمن است.

ایشان فرمود ما و مردم نظاره‌گر هستیم بینیم دشمن به این توافق و تفاهمی که انجام شده — که البته امروز دیگر چیزی از آن باقی نمانده — پایبند خواهد بود یا خیر. مردم و رهبر انقلاب بر این روند نظارت دارند.

این امر به آن علت است که چهره دشمن شناخته شده است. دشمنانی حيله‌گر و مکار که عبارت قرآنی «إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ» در وصف آنان است و هیچ عهد و پیمانی برای آنان معنا ندارد، همان کسانی که امیرالمؤمنین (ع) درباره آنان فرمود «الْمَنِيَّةُ وَالْأَلْمَنِيَّةُ» یعنی مرگ با عزت، بر زندگی همراه با ذلت برتری دارد! امروز همان روزی است که شهادت برتر از زندگی با ذلت است.

امام علی (ع) در حکمت ۳۹۶ نهج‌البلاغه می‌فرماید «وَالْتَّقَلُّ وَ لَا التَّوَسُّلُ» لذا باید اهل قناعت، اقتصاد مقاومتی و اتکا به توان داخلی باشیم؛ نه اینکه برای رفاه بیشتر، دست نیاز به سوی بیگانگانی دراز کنیم که دشمن دین، استقلال و انسانیت هستند!

با دشمن عهدشکن باید بگونه‌ای برخورد کرد که جرأت تجاوز پیدا نکند!

خداوند متعال نیز در آیه ۱۲ سوره توبه می‌فرماید «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ ۖ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» یعنی اگر دشمنان پس از بستن پیمان، عهد خود را شکستند و به تعهداتشان عمل نکردند، به دین شما و نظام اسلامی شما ایراد کردند و آن را مورد طعن قرار دادند، پس در مقابل جلوداران و سردمداران کفر بایستید و با آنان بجنگید!

بر اساس تفاهم‌نامه، قرار بود لبنان را مورد تعرض قرار ندهند، دست از تجاوز بردارند، درباره تنگه هرمز اقدامی نکنند، اموال ملت ایران را بازگردانند و به تعهدات خود پایبند باشند؛ اما پس از امضا و توافق و تفاهم، همه این تعهدات را زیر پا گذاشتند!

قرآن کریم در چنین شرایطی می‌فرماید «إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ» یعنی اینها به عهد و پیمان، هیچگونه پایبندی ندارند.

خداوند در ادامه آیه نیز دستور می‌دهد که با دشمن عهدشکن، باید برخوردی صورت گیرد که دیگر جرأت تجاوز و دشمنی پیدا نکند و به‌این ترتیب، بازدارندگی لازم ایجاد شود.

سازش با دشمن مستکبر، طمع او را بیشتر می‌کند

اگر امروز در برابر دشمنان کوتاه بیاییم و سازش کنیم و با آنان همراهی نشان دهیم نتیجه‌ای جز افزایش طمع آنان نخواهد داشت! امروز هم مشاهده می‌کنیم که با وجود همه قوانین و تفاهم‌های بین‌المللی و انجام فرامین امام جامعه، [آمریکا و رژیم صهیونیستی] زیر این پیمان می‌زنند!

ما اگر قدرت بازدارندگی نداشته باشیم و نتوانیم قدرت خود را در تنگه هرمز را تثبیت بکنیم، هر روز شاهد آن خواهیم بود که زیرساخت‌ها و پل‌ها و شهرهای مختلف کشور را به بهانه برآورده نشدن خواسته‌هایشان هدف حملات خود قرار می‌دهند و دست از دشمنی برنمی‌دارند! مگر این‌ها پیمان سرشان می‌شود که بشود با آنان سازش کرد؟!

امیدواریم دستور کار ما همان مکتب سیدالشهداء(ع) باشد؛ همان راهی که رهبر شهید ما در آن رشد کرد، با آن ملت را تربیت کرد و این شعار مرفقی که امروز کل عالم آن را فراگرفته است یعنی «هیهات منا الذله» را به ما آموخت.

از مسئولان عزیز تیم مذاکره‌کننده نیز تشکر می‌کنم. خواسته مردم روشن است؛ مسئولان نیز باید همراه مردم و پشت سر رهبر معظم انقلاب اسلامی حرکت کنند. همه ما متعهدیم هر آنچه ولی‌فقیه و رهبر نظام اسلامی تصمیم بگیرند، از آن تبعیت کنیم، ملت ایران با تمام وجود از فرامین معظم‌له تبعیت خواهد کرد، مسئولان عزیزمان نیز که در رأس امور هستند انشاءالله از ایشان تبعیت خواهند نمود و در همین مسیر قدم برمی‌دارند.

شورای نگهبان از ارکان استحکام نظام جمهوری اسلامی است

ششم تیرماه، سالروز تأسیس شورای نگهبان قانون اساسی در سال ۱۳۵۹ است که امام راحل(ره) دستور تأسیس آن را داده‌اند. در اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی، وظایف و اهمیت کار شورای نگهبان به‌روشنی بیان شده است.

از مهم‌ترین وظایف شورای نگهبان، حفاظت از احکام مقدس اسلام و قانون اساسی، بازرسی و بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی است که باید منطبق با شرع و قانون اساسی باشد، همچنین وظیفه تفسیر قانون اساسی و نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی بر عهده این نهاد قرار دارد.

البته تجربه چنین نهادی در دوران مشروطه نیز وجود داشته است که با استقامت شهید «شیخ فضل‌الله نوری» عده‌ای از مردم و علمای اسلام تلاش کردند بیست نفر از فقها معرفی شوند تا از میان آنان پنج نفر بر مصوبات مجلس آن زمان نظارت کنند. هرچند آن زمان نام «شورای نگهبان» وجود نداشت، اما همان نقش را برعهده داشت؛ هرچند [دشمنان داخلی و خارجی] نگذاشتند آن تجربه به‌طور کامل موفق شود!

الحمد لله این آرمان در نظام جمهوری اسلامی به‌طور کامل تحقق یافت و شورای نگهبان به یکی از مهم‌ترین ارکان حفظ اسلامیت و صیانت از قانون اساسی تبدیل شد.

دشمنان پس از نخستین انتخابات در سال ۱۳۵۹ دریافتند که شورای نگهبان، سدّ محکمی در برابر انحراف نظام اسلامی است؛ نهادی که با تدبیر امام راحل (ره) شکل گرفت و تاکنون از اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی پاسداری کرده است. این نهاد به همین علت از همان ابتدا همواره مورد حمله دشمنان قرار داشته است.

خداوند را شکر می‌کنیم که چنین ساختارها و نهادهای مستحکمی در نظام جمهوری اسلامی پیش‌بینی شده و در مقاطع حساس، نقش خود را به‌خوبی ایفا کرده‌اند. نمونه دیگر اینگونه نهادهای مستحکم، مجلس خبرگان رهبری است که مشاهده کردیم چند روز پس از شهادت رهبر انقلاب اسلامی، با دقت، جدیت و تلاش، بهترین فرد را برای رهبری امت اسلامی معرفی کردند و اجازه ندادند خللی در روند فعالیت‌های نظام اسلامی وارد شود.

حضور میلیونی مردم در مراسم وداع و تشییع رهبر شهید، محاسبات دشمن را برهم زد

مطلب آخر نیز اشاره به پیام حکیمانه و مهم مقام معظم رهبری در هجدهم تیرماه، در قدردانی از حضور ده‌ها میلیونی مردم عزیز ایران و عراق است؛ حضوری که چشم دشمنان را کور کرد و همه محاسبات آنان را بر هم زد.

ایشان در این پیام این حضور باشکوه را با سه ویژگی «اعجاب‌برانگیز» «دشمن‌شکن» و «تاریخی» توصیف کردند؛ زیرا تمام محاسبات دشمن را با شکست مواجه کرد.

این حضور «اعجاب‌برانگیز» بود. حضور ده‌ها میلیونی در ایران و عراق، که برخی شمار آن را تا ۴۵ میلیون نفر نیز ذکر کرده‌اند، نشان داد پیوند امت با امام، پیوندی اساسی است؛ نه احساسی و زودگذر که با چند عملیات تبلیغاتی از بین برود. بلکه باور قلبی و فراگیری در میان امت اسلام وجود دارد که دشمن از درک آن عاجز است و همین مسأله نیز موجب خطای محاسباتی آنان شده است.

این حضور همچنین «دشمن‌شکن» بود، زیرا دشمنان دنبال ایجاد یأس، تفرقه و انفعال ملت ایران بودند، اما در همان روزهایی که شهرهای مختلف کشور، از جمله مشهد، گلستان و نقاط دیگر، زیر آتش موشک‌ها و حملات دشمن قرار داشت، مردم با همان شور و عظمت در صحنه حضور پیدا کردند.

برادران و خواهرانی که در تهران، قم، مشهد، کربلا و نجف حضور داشتند، عظمت این اجتماع را از نزدیک مشاهده کردند. هیچ دوربینی قادر نیست شکوه واقعی چنین جمعیتی را آن‌گونه که بوده به تصویر بکشد. دشمن پیام خود را از این حضور گرفت.

همچنین رهبر معظم انقلاب فرمودند این صحنه «تاریخی» بود، چرا که صحنه‌ای تاریخی به وسیله مردم عزیز ایران و عراق خلق شد؛ البته این مراسم در هر کشور دیگری مانند پاکستان، هند یا لبنان این تشییع برگزار می‌شد، حتما مشاهده می‌کردید که مردم دنیا عشق باطنی و ارادت قلبی خود را به نمایش می‌گذاشتند.

انتقام آن عزیز و دیگر شهدا، مطالبه ملت و امری قطعی است

نکته دیگر اینکه رهبر معظم انقلاب در این پیام به خاستگاه ملی خونخواهی رهبر شهید و سایر شهدا اشاره کرده‌اند. متأسفانه برخی تلاش کردند این بخش از پیام را کمرنگ جلوه دهند و حتی گفتند این پیام را پسری برای پدر خودش منتشر کرده است! زهی خیال باطل! چقدر یک انسان باید تنگ‌نظر باشد و دید ضعیفی به مسائل داشته باشد که چنین نگاهی داشته باشد؟!

ایشان به صراحت فرمودند «عهد می‌بندیم که انتقام خون پاک شما و همه شهیدان این دو جنگ را از قاتلین جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم» این سخن، صرفاً درباره امام جامعه نیست؛ بلکه درباره همه شهدای عزیز و خون‌های پاک است که در راه اسلام و انقلاب تقدیم شده‌اند!

ایشان فرمودند «انتقام، خواست ملت ما است و به‌طور حتمی باید صورت بگیرد» این حرف شما ملت است که می‌گویید: حرف ما یک کلام، انتقام، انتقام...

نکته مهم دیگر این است که رهبر معظم انقلاب اسلامی تصریح کردند این مسیر وابسته به وجود شخص رهبر یا مسئولان نیست. ایشان فرمودند «امر انتقام، متوقف بر وجود شخص من یا سایر مسئولان نیست. ما باشیم یا نباشیم، این مطلب محقق خواهد شد»

نکته دیگر آن است که فرمودند این امر فوریت دارد. فرموده‌اند «بزودی، آحادی از آزادگان در سراسر دنیا هر یک بخشی از این مأموریت الهی را انجام خواهند داد»

این کلمات اولاً دلگرم‌کننده هستند و دوماً مشخص می‌شود که بحث انتقام در فاز عملیاتی قرار گرفته است. به‌ویژه که اشاره فرمودند «این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل شان موجود است...» یعنی به نظر می‌رسد مقدمات آن فراهم شده است. امیدواریم ان‌شاءالله به‌زودی، زمین از لوٹ وجود این جرثومه‌های فساد پاک شود.

نکته دیگری که مایه افتخار است و رهبر معظم انقلاب نیز تأکید کردند، این بود که انقلاب اسلامی مبتنی بر فرهنگ حسینی است. ایشان فرمودند «انقلابی که از اساس حسینی بود و با شعار و مرام حسین ساخته شد و بالید. آقای شهید ایران هم با همین مرام رشد کرد. او حسینی بود، حسینی اندیشید، حسینی حرکت کرد، حسینی جهاد و مقاومت نمود، حسینی زیست، و حسینی خون خود را در راه مکتب حسین تقدیم کرد و به شهادت رسید»

ایشان تأکید فرمودند که «حال هم همان شور حسینی، ملت ما را بعثت بخشیده و مکتب خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید را جلوه‌ای تازه داده است. این است آن غوغای حیات‌بخشی که انعکاس ندای مظلومیت حسین علیه‌السلام و ندای هَلْ مِنْ ناصِرٍ یَنْصُرُنِیْ او در ایران و پس از آن در عراق و سایر کشورها بپا می‌کند و زلزله در باطل می‌اندازد»

معظم‌له در جای دیگری نیز فرمودند «با شما عهد می‌بندیم که مکتب شما را پاس بداریم و آن طریق مستقیمی که شما ترسیم کردید را با استقامت بپیماییم و در این راه از سختیها نه‌راسیم، و همچون شما به بشارات و وعده‌های الهی دل ببندیم.» ما نیز با رهبر شهید خود عهد می‌بندیم که راه، مکتب و آرمان‌های ایشان را پاس بداریم.

هنوز داغ فقدان آن عزیز برای ملت ایران تازه است که مراسم‌هایی که این روزها با همت مردم برگزار می‌شود، نشان‌دهنده عمق این اندوه است.

خداوند را شاکریم که از نعمت رهبری برخورداریم، اما حقیقت آن است که گل سرسبد نظام اسلامی را در یکی از جنایتکارانه‌ترین اقدامات دشمن از دست دادیم!

بله گرانی هست، مشکلات هست، زیرساخت‌ها آسیب دیده، قطعی برق هست. اما راه این امام شهید را ادامه خواهیم داد که خداوند وعده داده است «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» هر کس خداوند را یاری کند، خداوند او را حتما نصرت خواهد داد.

امیدواریم در این مسیری که امام راحل(ره) امام شهید(ره) و امام عزیزمان به سمت قله برای ما ترسیم می‌کنند به وظایف خود عمل کنیم.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.